

فیلم‌ها و احساس‌ها

جان کاساوتیس

مجموعه مقالات

گردآورندگان: سعیده طاهری و بابک کریمی



فهرست

مقدمه‌ی گردآورندگان / ۷

جان کاساوتیس، آفتاب سپیده‌دهمان / نیگل برنز / ۹

بخش اول، جهان کاساوتیس / ۱۹

حکایت تهور و تزلزل: فیلم‌های جان کاساوتیس / ری کارنی / ۲۱

کاساوتیس: ابداع‌گر فرم‌ها / اثرین مارتین / ۵۰

سینمای جان کاساوتیس / سعید عقیقی / ۶۹

کاساوتیس خود آمریکانیز هست / تیری ژوس / ۹۳

بیت استریت: جانی استاکاتو / جی. هوبرمن / ۱۰۷

کلوزآپ چندآوایی: سینمای جان کاساوتیس و تلاطم معنا / ذنبیل روگو / ۱۱۶

خرده‌آخالزمان‌های جان کاساوتیس / ژان فرانسوا هسبه / ۱۳۷

احساس آزاد غیر مستقیم در شب افتتاح و چهره‌های جان کاساوتیس / هومی کینگ / ۱۵۵

نیروی زندگی / تیری ژوس / ۱۹۳

بخش دوم: فیلم‌نامه‌نویسی، بازیگری، بداهه‌پردازی / ۲۰۵

آثار جان کاساوتیس: فیلم‌نامه، سبک بازی و بداهه‌پردازی / ماریا ویرا / ۲۰۷

سینمای آرگانیک کاساوتیس / مایکل آبن / ۲۱۹

کجا اتفاق می‌افتد؟ مکان اجرا در آثار جان کاساوتیس / جرج کوواروس / ۲۳۴

شخصیت‌های پیچیده / ری کارنی / ۲۵۵

جان کاساوتیس و آفسون بازیگر / جیمز موناکو / ۲۶۳

ظلمت‌زبای جنون، جنار و نندز: سینمای جان کاساوتیس / سعیده طاهری و بابک گرمی / ۲۸۲

دیاتوگ فیلم‌های هالیوودی و «رنالیسم واقعی» جان کاساوتیس / تاد برئینر / ۳۰۵

فیلم‌شناسی / ۳۳۹

جان کاساوتیس، آفتاب سپیده‌دمان

نیکل برنز

ترجمه‌ی محمدرضا شیخی

همچون آفتابی که سپیده‌دمان آرام‌آرام بر فراز سر اوج می‌گیرد و در هُرم آتش نورانی خود فرومی‌پاشد، آثار جان کاساوتیس، چونان همین آفتاب، همچنان که در گذر زمان از ما فاصله می‌گیرند و دور می‌شوند، به همان اندازه گرمای بی‌بدیل‌شان حیاتی‌تر و قوی‌تر ظاهر می‌شود. در زمانه‌ای که قالب صنعتی بی‌وقفه تمام سینماهای جهان را یک‌به‌یک زیر گام‌های خود می‌بیند، بیش از همیشه به جان کاساوتیس نیازمندیم، کاساوتیسی که نماد ذهنیتِ مبتنی بر استقلال‌گرایی، آزادی در فرم و اومانیسیم عاطفی است.

لواز همان سال ۱۹۵۹ و به لطف انتشار بیانیه‌ای در فیلم کالچر با نام «چه بر سر هالیوود آمده؟»، در جایگاه نماد سینماتوگرافیکِ ارزش‌های مبتنی بر استقلال قرار گرفت:

«بدون خلاقیت در بیان فردی، در معرض رسانه‌ای از فانتزی‌های بی‌معنا قرار می‌گیریم که هیچ‌چیز در پی‌اش نخواهد آمد جز پریشان‌حوالی در دنیایی که پیش از این دچار پریشان‌حوالی شده است. راه حل نباید در دست آدم‌هایی باشد که فقط و فقط به فکر پول‌اند، چرا که فکر و ذکر این‌ها در دستیابی به موفقیت مادی، تمام اراده‌شان را برای کارگردانی زایل می‌کند. راه حل باید از دل خود هنرمند بیاید. او باید حواسش به

این موضوع جمع باشد که مسئولیت هر اشتباهی به گردن خودش است: که هنر و احترام ناشی از حرفه‌اش در مقام هنرمند، تنها و تنها برآمده از مسئولیت او است. بر اساس این واقعیت باید از هر راه و امکانی که در اختیار دارد به تهیه‌کننده بفهماند که فقط و فقط در صورتی که آزادی خلاقانه‌ی تمام‌عیار و تمام‌وکمال در اختیار هنرمند قرار دهد، هنر و صنعت سینما باعث بقای او خواهند شد.^۱

به‌رغم شیخون‌های کاساوتیس به صنعت در مقام بازیگر و البته کارگردان (بلوز دیرهنگام، ۱۹۶۱، بچه‌ای منتظر است، سریال بسیار زیبای تلویزیونی استاکاتو، ۱۹۵۹، چند اپیزود از برنامه‌ی لوید بریجز شو، ۱۹۶۲ و یک اپیزود از کلمبو، ۱۹۷۲) که در مجموع و اساساً با هدف پس‌انداز پول صورت می‌گیرند، جان کاساوتیس ارزش‌های خودش را زیر پا نگذاشت؛ ارزش‌هایی که البته کسی به او منتسب نکرد، بلکه خودش با صرف هزینه‌های بسیار آن‌ها را به دست آورد. حتی باید بر این پدیده‌ی استثنایی در تاریخ فرم نیز تأکید کرد که وقتی اولین تماشاگران کشتن دلال چینی (۱۹۷۸-۱۹۷۷) به کاساوتیس تذکر دادند که این فیلم شفافیت ندارد، کارگردان نیز آن را دوباره طوری تدوین کرد که باز هم مبهم‌تر، جذاب‌تر و نظری‌تر شود. چنین انرژی‌ای، چنین مداومتی، چنین ایمان تزلزل‌ناپذیری به آزادی خلاقانه‌ی فردی از کجا می‌آید؟

فعل‌هایی با ریشه‌های یونانی و صرف‌های آمریکایی

شاید بتوان در مقام فرضیه این‌گونه گفت که چنین موضوعی ریشه در میراث خانوادگی دارد. پدر جان کاساوتیس، نیکلاس جان کاساوتیس (Cassavetis) (گویا املای اصلی این نام این‌گونه است)، متولد سال ۱۸۹۳ در لاریسای تسالی (در یونان)، در سال ۱۹۰۷ و در سن چهارده سالگی به آمریکا مهاجرت می‌کند؛ ابتدا در پروریدنس در ایالت رودآیلند و بعد در نیویورک اقامت می‌گزیند و در آن‌جا در حوزه‌ی مهاجرت و گردشگری یونانی-آمریکایی به فعالیت مشغول می‌شود. در سال ۱۹۱۹، او که درگیر دفاع از اقلیت یونانی مقیم آلبانی است، به بهانه‌ی برگزاری کنفرانس صلح پاریس گزارشی درباره‌ی اوضاع منطقه‌ی اپیروس شمالی می‌نویسد. اپیروس همان منطقه‌ی باستانی یونان است که با پایان جنگ جهانی اول به شیوه‌ای دراماتیک به دو بخش تقسیم می‌شود: اپیروس جنوبی تحت حاکمیت یونان باقی